

Analyzing Dramatic Elements in the Life of Martyr Ahmad Kazemi for Adaptation into a TV Screenplay: A Case Study of the Story "A Ladder to Pick Oranges"

Sajjad Soleimannejad¹, Ali Razizadeh²

Received: 15 August 2024, Accepted: 14 October 2024

Abstract

Sacred Defense stories are a valuable treasure trove of the bravery and sacrifices made by Iranian soldiers during the Iran-Iraq War. Adapting these stories is an effective way to convey the valuable messages of selflessness and martyrdom to future generations. To this end, this study examines the dramatic elements in the life of Martyr Ahmad Kazemi and presents a model for adapting it into a TV screenplay with a case study of the story "A Ladder to Pick Oranges". Despite the abundance of Sacred Defense stories, the number of quality adaptations of these stories in Iranian cinema is still limited. One of the reasons for this is the lack of a codified model for adapting these stories. This study is qualitative and uses narrative analysis. Based on the findings, the life of Martyr Ahmad Kazemi is full of ups and downs, unparalleled selflessness, and bravery, which can be a great source of inspiration for writing an engaging and impactful TV screenplay. The story "A Ladder to Pick Oranges" was also chosen as a suitable case study for this research due to its similar dramatic elements to the life of Martyr Kazemi. Using the model presented in this paper, a compelling and impactful TV screenplay can be created from the eventful life of Martyr Ahmad Kazemi, conveying valuable messages of selflessness and martyrdom to future generations. This research can also be a valued guide for researchers and artists in adapting the lives of martyrs and other prominent historical figures.

Keywords: Sacred Defense Literature, Adaptation, Screenplay, A Ladder to Pick Oranges, Ahmad Kazemi

1. Master of Dramatic Literature, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.

Email: SajjadSoliman@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Media Arts, Religion and Media Faculty, IRIB University, Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: ali.razizadeh@iribu.ac.ir

تحلیل عناصر دراماتیک زندگی شهید احمد کاظمی به منظور اقتباس برای فیلم‌نامه تلویزیونی با مطالعه موردی داستان نردبانی برای چیدن نارنج

سجاد سلیمان‌نژاد^۱، علی رازی‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

چکیده

داستان‌های دفاع مقدس به عنوان یک منبع غنی از فداکاری‌ها و رشادت‌های رزمندگان ایرانی در جنگ تحمیلی شناخته می‌شوند، اما کمبود آثار اقتباسی باکیفیت در سینمای ایران، به‌ویژه در حوزه تلویزیونی، یک مسئله قابل توجه است. این پژوهش به بررسی دلایل این کمبود و لزوم توسعه یک الگوی مشخص برای اقتباس از داستان‌های دفاع مقدس می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش تحلیل عناصر دراماتیک زندگی شهید احمد کاظمی است، زیرا زندگی او پر از فراز و نشیب‌های قابل توجهی است که می‌تواند به نگارش یک فیلم‌نامه تلویزیونی جذاب و مؤثر کمک کند. در این راستا، پژوهش به شناسایی ویژگی‌های کلیدی زندگی شهید کاظمی می‌پردازد که شامل ایثارگری، شجاعت، و نقاط عطف تاریخی است. این ویژگی‌ها می‌توانند به ایجاد داستانی جذاب کمک کنند که مخاطب را درگیر و پیام‌های ارزشمند ایثار و شهادت را منتقل کند. همچنین، داستان نردبانی برای چیدن نارنج به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است، زیرا عناصر دراماتیک آن، شامل کشمکش‌ها و چالش‌های انسانی، با زندگی شهید کاظمی همخوانی دارد. این پژوهش در تلاش است یک الگوی منسجم و عملی برای اقتباس از زندگی شهید کاظمی ارائه دهد که می‌تواند به تولید آثار هنری باکیفیت بالا منجر شود. نتایج این پژوهش نه تنها به پژوهشگران و هنرمندان کمک می‌کند بلکه می‌تواند راهگشای انتقال ارزش‌های ایثار و شهادت به نسل‌های آینده باشد.

واژگان کلیدی: ادبیات دفاع مقدس، اقتباس، فیلم‌نامه، نردبانی برای چیدن نارنج، احمد کاظمی

۱. کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران.
Email: SajjadSoliman@gmail.com

۲. استادیار گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول)
Email: ali.razizadeh@iribu.ac.ir

مقدمه

شهید احمد کاظمی، به عنوان یکی از فرماندهان برجسته دوران دفاع مقدس، شخصیتی است که زندگی و رشادت‌های او سرشار از درس‌ها و عبرت‌های آموزنده برای نسل حاضر است. فداکاری‌ها و ازخودگذشتگی‌های او در میدان نبرد نه تنها او را به یک الگو برای جوانان تبدیل کرده، بلکه نشان‌دهنده روحیه‌ای است که در شرایط بحرانی از خود بروز می‌دهد. این زندگی پرفرازونشیب، شامل تجارب گوناگون از دوران کودکی و نوجوانی تا فرماندهی در جبهه‌ها، می‌تواند به عنوان منبعی غنی برای خلق یک فیلم‌نامه تلویزیونی در نظر گرفته شود.

استفاده از فیلم به عنوان رسانه‌ای برای نمایش شخصیت‌های تاریخی و ملی مانند شهید کاظمی، چندین مزیت کلیدی دارد که به تحلیل و درک بهتر این شخصیت کمک می‌کند:

قدرت اثرگذاری: فیلم به عنوان یک رسانه دیداری و شنیداری از قدرت بالایی برای برقراری ارتباط با مخاطب برخوردار است. تصاویر متحرک، موسیقی و دیالوگ‌ها به طور مؤثری احساسات، افکار و انگیزه‌های شخصیت‌ها را منتقل می‌کنند. این توانایی می‌تواند باعث ایجاد همذات‌پنداری عمیق‌تری در مخاطب شود و به او کمک کند تا بهتر درک کند که این شخصیت‌ها در شرایط مختلف چگونه عمل کرده‌اند.

دسترسی گسترده: فیلم‌ها به طور طبیعی به جمعیت گسترده‌تری دسترسی دارند و می‌توانند اطلاعات و داستان‌های مهم را به مخاطبان با سنین و علایق مختلف ارائه دهند. این دسترسی به افراد با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت، امکان یادگیری و آگاهی از تاریخ و ارزش‌های انسانی را فراهم می‌کند.

ماندگاری: ماهیت دیداری و شنیداری فیلم‌ها به آنها این قدرت را می‌دهد که در ذهن مخاطب باقی بمانند. به‌ویژه برای نسل‌های آینده، فیلم‌ها می‌توانند به عنوان منابعی برای شناخت شخصیت‌های تاریخی و وقایع مهم تاریخی مورد استفاده قرار گیرند و از این طریق، فرهنگ و ارزش‌ها را منتقل کنند.

خلاقیت و تنوع: در تولید فیلم، سازندگان می‌توانند از تنوع بالایی در نوع روایت و ژانرها بهره ببرند. از داستان‌های مستند گرفته تا روایت‌های داستانی و ژانرهای

جنگی و حماسی، این تنوع به آنها اجازه می‌دهد تا زندگی شخصیت‌های برجسته را به شیوه‌های متفاوتی به تصویر بکشند. این قابلیت می‌تواند به جذب بیشتر مخاطب و انتقال مؤثرتر پیام‌ها کمک کند.

جلب توجه نسل جوان: نسل جوان به رسانه‌های دیداری و شنیداری به طور فزاینده‌ای علاقه‌مند است. استفاده از فیلم برای به تصویر کشیدن شخصیت‌های برجسته و انتقال داستان‌های آنها می‌تواند روشی مؤثر برای جلب توجه این نسل باشد. این راهکار می‌تواند به انتقال مفاهیم ارزشمند ایثار، فداکاری و ازخودگذشتگی به جوانان کمک کند.

با در نظر گرفتن این مزایا، پژوهش حاضر اهداف زیر را دنبال می‌کند:

ترویج فرهنگ ایثار و شهادت: بررسی زندگی و فداکاری‌های شهید کاظمی می‌تواند به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در بین نسل جوان کمک کند. این امر نه تنها به ارتقاء آگاهی تاریخی کمک می‌کند بلکه می‌تواند در شکل‌گیری هویت ملی نیز نقش مهمی ایفا کند.

شناسایی الگوهای رفتاری: زندگی شهید کاظمی پر از درس‌ها و عبرت‌هایی است که می‌تواند به جوانان الگوهای رفتاری مناسب معرفی کند. با تحلیل عناصر دراماتیک زندگی او، این پژوهش به دنبال شناسایی و ارائه این الگوها است تا جوانان در زندگی روزمره خود بتوانند از آنها بهره‌برداری کنند.

تولید محتوای با کیفیت: نگارش یک فیلم‌نامه تلویزیونی جذاب و تأثیرگذار از زندگی شهید کاظمی می‌تواند به غنای فرهنگی جامعه کمک کند. این محتوای با کیفیت نه تنها می‌تواند مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد بلکه می‌تواند به ایجاد دیالوگی در مورد ارزش‌های انسانی و تاریخ ملی کمک کند.

به‌طورکلی، این پژوهش به دنبال ایجاد یک چارچوب عملی برای تحلیل و اقتباس از زندگی شخصیت‌های ملی و مذهبی است که می‌تواند به تولید آثار نمایشی با کیفیت و مؤثر منجر شود. این فرایند نه تنها به شناخت بهتر از شخصیت‌های تاریخی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه کمک کند.

از این‌رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عناصر دراماتیک زندگی شهید احمد کاظمی به دنبال ارائه مدلی برای اقتباس از زندگی شخصیت‌های ملی و

نوشته‌های دفاع مقدس با تأکید بر اثر دختر شینا» تلاش کرده است عناصر داستانی مشترک بین خاطرات و داستان را در روایت‌های دفاع مقدس نشان دهد. محقق در اثر دختر شینا، عناصر داستان که عبارت است از شخصیت‌پردازی، طرح، گفت‌وگو را بررسی می‌کند؛ و در نهایت در پی اثبات این نکته است که در خاطره‌نویسی می‌توان از قواعد داستانی بهره‌مند شد.

کاظمی (۱۳۹۶) در مقاله «آسیب‌شناسی نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس» با دورویکرد به نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس می‌پردازد. ساختار نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس و اهداف نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس؛ آنچه در این مقاله با این پژوهش مرتبط می‌باشد، قسمت اول ساختار نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس است. کاظمی در بررسی ساختارهای نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس بیشتر به تفاوت عناصر دراماتیک از جهت محتوا و مضمون می‌پردازد و عناصر دراماتیک را به صورت کامل بیان و تحلیل نمی‌کند.

قادری (۱۳۸۷) در مقاله «ارزیابی نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس از منظر کاراکتر نمایشی» به این موضوع می‌پردازد که ساختمان کاراکتر دراماتیک در نمایش‌نامه‌های دفاع مقدس فاقد عامل است و از شاخص‌ها، در جنبه‌های بیرونی اعتبارات فردی و اجتماعی و از جنبه‌های روانی فکری و استدلالی را غافل می‌گذارد و به عناصر عالی کاراکتر توجه ندارد. او برای عناصر عالی برای طراحی کاراکتر به این موارد اشاره می‌کند: هوش، هیئت، انگیزه، نمو، منش و قابلیت؛ در این مقاله قادری به تحلیل و بررسی ویژگی‌های شخصیت می‌پردازد و در قسمت عنصر دوم از منظر ارسطو مفید و قابل استفاده است.

جعفری و رضوی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله «بازیابی عناصر داستانی در کتاب دا» تلاش می‌کنند تا این مطلب را ثابت کنند که در ساختارهای زندگی‌نامه‌ای همچون کتاب دا، عناصر دراماتیک وجود دارد و این عناصر به داستان‌های زندگی‌نامه‌ای جذابیت خاصی می‌بخشد. نویسندگان در این مقاله برای جذابیت داستانی عناصر بسیاری را مورد تحلیل و تطبیق قرار می‌دهند، اما عناصر داستانی که از قابلیت نمایشی در این مقاله برخوردار هستند می‌توان به سه عنصر گفتار شخصیت‌پردازی و طرح اشاره کرد و دیگر عناصر همچون توصیف، برای ادبیات نمایشی کاربرد ندارد.

داوودیان و تقوی (۱۳۹۵) در بررسی داستان بغض

مذهبی برای خلق آثار نمایشی است. پرسش اصلی این پژوهش این است: چگونه می‌توان با استفاده از عناصر دراماتیک زندگی شهید کاظمی، یک فیلم‌نامه تلویزیونی تولید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، اطلاعات مربوط به زندگی شهید کاظمی از منابع مکتوب جمع‌آوری می‌شود و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. انتخاب مورد مطالعاتی برای تحلیل، داستان نردبانی برای چیدن نارنج است. این داستان به فداکاری و از خودگذشتگی شهید کاظمی در قبال خانواده و هم‌زمانش می‌پردازد. در این داستان، او برای نجات جان یکی از هم‌زمانش جان خود را به خطر می‌اندازد و از نردبانی کهنه برای چیدن نارنج استفاده می‌کند. این عمل، نمایانگر شجاعت او در مواجهه با خطر است و مثالی از ایثار او به شمار می‌آید. داستان نردبانی برای چیدن نارنج دارای عناصر دراماتیک متعددی است که می‌تواند در فرایند اقتباس مورد توجه قرار گیرد. این عناصر شامل مخاطره جان، فداکاری، ایثار، عشق به هم‌رزم، امید و ایمان به خدا هستند. بررسی این داستان به عنوان مطالعه موردی می‌تواند به درک بهتر از ساختار دراماتیک زندگی شهید کاظمی و نحوه انتقال این ساختار به یک اثر هنری کمک کند. در این پژوهش از نظریه روایت‌شناسی و روش تحلیل روایت به عنوان ابزارهای اصلی تحلیل استفاده خواهد شد. این روش‌ها به تحلیل ابعاد مختلف داستان و شناسایی الگوهای رفتاری شهید کاظمی کمک می‌کند. با بررسی و تحلیل دقیق این عناصر، پژوهش به دنبال ارائه الگوی عملی برای تولید فیلم‌نامه‌های تلویزیونی است که بتواند پیام‌های ایثار و شهادت را منتقل کند. امید است این مقاله بتواند به شناسایی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین تولید محتوای مناسب در زمینه دفاع مقدس کمک کند. با ارائه این مدل، انتظار می‌رود پژوهشگران و هنرمندان بتوانند از آن به عنوان راهنمایی در فرایند اقتباس از زندگی شخصیت‌های ملی و مذهبی بهره‌برداری کنند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی پیرامون شخصیت‌های دفاع مقدس صورت گرفته است که در این پژوهش به بررسی برخی از آنها با تمرکز بر ارتباطشان با موضوع مورد بحث پرداخته می‌شود.

زارع (۱۳۹۷) در مقاله «عناصر داستانی خاطره

مبانی پژوهش

این قسمت از مقاله از دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول عناصر دراماتیک به صورت موجز معرفی می‌شوند. بر پایه این عناصر دراماتیک نیز داستان انتخاب‌شده تحلیل می‌شود. در بخش دوم نیز به نظریه اقتباس اشاره می‌شود تا مشخص شود که عناصر دراماتیک بر اساس چه رویکرد باید به مدیوم دیداری-شنیداری تغییر کنند.

عناصر دراماتیک

عناصر دراماتیک اجزای اصلی یک درام هستند که به خلق تنش، تعلیق و جذابیت در داستان کمک می‌کنند (ارسطو، ۱۳۸۵). این عناصر شامل پی‌رنگ، گفتار، شخصیت و انگاره می‌شوند. پی‌رنگ به‌ویژه نیازمند بررسی دقیق‌تری است و می‌توان به زیرمجموعه‌های مختلف آن اشاره کرد. پی‌رنگ اصلی، داستان اصلی را شکل می‌دهد و بر روند کلی داستان تأثیر می‌گذارد. پی‌رنگ فرعی، داستان‌های جانبی را معرفی می‌کند که می‌توانند به عمق شخصیت‌ها و موقعیت‌ها کمک کنند. پی‌رنگ بیرونی شامل شرایط و وقایعی است که شخصیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، درحالی‌که پی‌رنگ درونی به تعارضات و چالش‌های درونی شخصیت‌ها می‌پردازد.

هر داستان از یک نقطه آغاز، میانه و پایان تشکیل می‌شود. نقطه آغاز، معرفی شخصیت‌ها و موقعیت است، میانه به کشمکش‌ها و چالش‌ها پرداخته و پایان به حل مشکلات و تعیین سرنوشت شخصیت‌ها می‌پردازد (قادری، ۱۳۹۱: ۳۰-۲۸). در آغاز داستان، وضعیت متعادل وجود دارد که می‌تواند زندگی روزمره شخصیت‌ها یا جامعه را منعکس کند (قادری، ۱۳۹۱: ۶۰). ورود یک عامل مخل نظم مانند شخصیت شرور یا یک تصمیم اشتباه، تنش را ایجاد می‌کند (قادری، ۱۳۹۱: ۶۱) و جدایی شخصیت‌ها به واسطه این عامل می‌تواند فیزیکی، عاطفی یا روانی باشد (قادری، ۱۳۹۱: ۶۳). با پیشرفت داستان، پیچیدگی‌ها و چالش‌های بیشتری برای شخصیت‌ها ایجاد می‌شود (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۳). شخصیت‌ها برای غلبه بر مشکلات تلاش می‌کنند و این تلاش‌ها کشمکش نامیده می‌شود (کریمی‌خوزانی، ۱۳۹۷: ۶۴). نقطه‌ای از داستان که شخصیت‌ها به بحران یا نقطه عطفی می‌رسند، بحران نامیده می‌شود (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۶) و در این مسیر،

آینه در مقاله‌ای با عنوان «شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان بغض آینه» به بررسی چند رویکرد با موضوع شخصیت‌های داستانی می‌پردازند. آنچه در این پژوهش مفید برای شخصیت‌نمایی است، بررسی نوع شخصیت اصلی و فرعی، ایستایی و پویایی شخصیت است، که می‌توان برای طراحی شخصیت دراماتیک مورد استفاده قرار گیرد.

احمدی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده دین و رسانه صداوسیما مقم با عنوان «بررسی شخصیت‌پردازی زن در سینمای دفاع مقدس با مطالعه موردی دو فیلم آخرین مهلت و روزهای زندگی»، به تبیین چگونگی شخصیت‌پردازی زن در سینمای دفاع مقدس می‌پردازد. او بعد از شناخت و بررسی عناصر شخصیت‌پردازی، تلاش کرده است عناصر شناخته‌شده را در فیلم آخرین مهلت و روز زندگی تحلیل کند. این پایان‌نامه بسیار کامل می‌باشد و کار ایشان برای دومین عنصر درام «شخصیت» مفید و کاربردی است.

با توجه به پیشینه‌های ارائه‌شده، می‌توان موارد زیر را به عنوان نوآوری مقاله پیش رو مورد توجه قرار داد:

۱. تمرکز بر شخصیت شهید احمد کاظمی: درحالی‌که پژوهش‌های متعددی به بررسی عناصر داستانی و نمایشی در روایت‌های دفاع مقدس پرداخته‌اند، تمرکز این مقاله بر تحلیل عناصر دراماتیک زندگی شخصیت شهید احمد کاظمی است. این موضوع می‌تواند به غنی‌تر شدن ادبیات مربوط به شخصیت‌پردازی و اقتباس از زندگی‌نامه شهدا در آثار نمایشی کمک کند.

۲. استفاده از داستان نردبانی برای چیدن نارنج به عنوان مطالعه موردی: انتخاب این داستان به عنوان مطالعه موردی، می‌تواند به درک عمیق‌تر شخصیت شهید احمد کاظمی و همچنین به ارائه الگویی برای اقتباس از زندگی‌نامه شهدا در آثار نمایشی کمک کند.

۳. ترکیب تحلیل عناصر دراماتیک با رویکرد اقتباسی: این مقاله صرفاً به تحلیل عناصر دراماتیک زندگی شهید احمد کاظمی نمی‌پردازد، بلکه این تحلیل را در راستای ارائه الگویی برای اقتباس از این زندگی‌نامه برای فیلم‌نامه تلویزیونی به کار می‌برد. این رویکرد می‌تواند مقاله حاضر را برای پژوهشگران و اهالی سینما و تلویزیون جذاب‌تر کند.

فیلم‌نامه‌نویسان در زمینه خلق درام‌های جذاب و اثرگذار.

نظریه اقتباس

نظریه اقتباس به بررسی نحوه تبدیل یک اثر ادبی به یک اثر هنری دیگر، مانند فیلم‌نامه، تئاتر، اپرا، نقاشی، یا قطعه موسیقی، می‌پردازد. این نظریه به دنبال درک چگونگی تغییر و تحولات یک اثر در فرایند اقتباس و عوامل مؤثر بر این تغییرات است. این نظریه دارای چهار مفهوم کلیدی که نویسنده برای اقتباس از یک متن باید نسبت به آنها دیدگاه روشنی داشته باشد. اول، هدف از اقتباس: هدف از اقتباس می‌تواند به عوامل مختلفی مانند جلب نظر مخاطبان جدید، تفسیر جدیدی از اثر ارائه دادن، یا به‌روزرسانی اثر برای نسل‌های جدید بستگی داشته باشد. نویسنده اقتباس باید قبل از شروع کار، هدف خود را از اقتباس به‌طور واضح مشخص کند تا بتواند بر اساس آن، تغییرات لازم را در متن اصلی اعمال کند. دوم، وفاداری به متن اصلی: یکی از مهم‌ترین مسائلی که در فرایند اقتباس مطرح می‌شود، میزان وفاداری به متن اصلی است. نویسنده اقتباس باید مشخص کند که تا چه حد می‌خواهد به متن اصلی وفادار باشد و چه تغییراتی را می‌توان در آن اعمال کرد. میزان وفاداری به متن اصلی می‌تواند به عوامل مختلفی مانند ژانر اثر، رسانه‌ای که اثر اقتباسی در آن ارائه می‌شود، و سلیقه و نظر نویسنده اقتباس بستگی داشته باشد. سوم، خلاقیت: درحالی‌که وفاداری به متن اصلی مهم است، خلاقیت نیز در فرایند اقتباس نقشی اساسی ایفا می‌کند. نویسنده اقتباس باید بتواند با استفاده از خلاقیت خود، اثری جدید و بدیع خلق کند که در عین حال، هویت و روح اصلی اثر منبع را حفظ کند. خلاقیت در اقتباس می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند تغییر در ساختار داستان، شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌نویسی، یا استفاده از عناصر بصری و شنیداری نمود پیدا کند. چهارم، مخاطب: مخاطب: مخاطبان یک اثر اقتباسی می‌توانند با مخاطبان اثر اصلی یکسان یا متفاوت باشند. نویسنده اقتباس باید شناخت درستی از مخاطبان خود داشته باشد تا بتواند اثری خلق کند که برای آنها جذاب و قابل فهم باشد. شناخت مخاطب می‌تواند به نویسنده اقتباس در انتخاب رسانه مناسب برای ارائه اثر، استفاده از زبان و لحن مناسب، و انتخاب عناصر بصری و شنیداری مناسب کمک کند (هاچن، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۵).

تعلیق و هیجان داستان افزایش می‌یابد، و مهم‌ترین اتفاق داستان در نقطه اوج رخ می‌دهد (اسمایلی، ۱۳۹۲: ۹۷) و در پایان، گره‌ها و ابهامات داستان حل می‌شوند (قادری، ۱۳۹۱: ۱۰۰). زمان شامل زمان واقعی و زمان دراماتیک است و مکان به محل وقوع رویدادها در داستان اشاره دارد (گریگ، ۱۳۹۰: ۲۴۴-۲۴۵).

شخصیت‌ها به مخاطب کمک می‌کنند با داستان همذات‌پنداری کند و از آن لذت ببرد. شخصیت‌ها می‌توانند انسان، حیوان، اشیاء یا حتی مفاهیم انتزاعی باشند و به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: قهرمان و ضدقهرمان. شخصیت‌های فرعی نیز نقش مکمل دارند. مؤلفه‌های اثرگذار در شخصیت‌پردازی شامل ویژگی‌های فیزیکی، روانی، رفتاری و پیشینه شخصیت هستند (مک‌کی، ۱۳۸۲: ۶۹).

گفتار به شخصیت‌ها جان می‌بخشد و شامل دیالوگ و مونولوگ است (قادری، ۱۳۹۱: ۲۹۹). دیالوگ‌ها می‌توانند نمایشی، توضیحی، احساسی یا طنز باشند. مونولوگ‌ها نیز شامل افشاگرانه، تأملی و متقاعدکننده هستند. گفتار به ایجاد انسجام و پویایی در درام کمک می‌کند.

انگاره، تم یا ایده اصلی داستان است که پیام یا معنای کلی را منتقل می‌کند. این عنصر به درک عمیق‌تر داستان و همذات‌پنداری با شخصیت‌ها کمک می‌کند. انگاره با دیگر عناصر درام ارتباط تنگاتنگی دارد و درواقع، پی‌رنگ، شخصیت‌ها و گفتار در خدمت بیان آن قرار دارند.

در مقاله پیش‌رو، می‌توان از عناصر دراماتیکی برای موارد زیر استفاده کرد:

۱. شناسایی پی‌رنگ، گفتار، شخصیت و انگاره در داستان زندگی شهید احمد کاظمی با محوریت داستان نردبانی برای چیدن نارنج؛

۲. بررسی چگونگی اثرگذاری این عناصر در ایجاد تنش، تعلیق، و جذابیت در داستان؛

۳. ارائه الگویی برای نگارش فیلم‌نامه تلویزیونی اقتباسی از زندگی‌نامه شهدا و داستان‌های حماسی با توجه به عناصر دراماتیکی؛

همچنین استفاده از این الگو دارای مزایای مختلفی است؛ نظیر، ارائه چارچوبی منسجم برای تحلیل و بررسی ساختار یک درام، شناسایی عواملی که در جذابیت و تأثیرگذاری یک درام نقش دارند، و ارائه راهنمایی برای نویسندگان و

چهارم، عناصر دراماتیک استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شدند. درنهایت، مرحله پنجم به جمع‌بندی و ارائه الگوی پیشنهادی برای تحلیل زندگی شخصیت‌های ملی و مذهبی پرداخته است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش و همچون بخش مبانی پژوهش، در قسمت اول عناصر دراماتیک در داستان نردبانی برای چیدن نارنج تحلیل می‌شود، و در بخش دوم و بر پایه نظریه اقتباس ویژگی‌های این اثر بررسی می‌شود. برای اختصار، این داستان کوتاه نقل نمی‌شود (یزدانی، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۰).

عناصر دراماتیک در داستان نردبانی برای چیدن نارنج پی‌رنگ

پی‌رنگ اصلی داستان به زندگی و فداکاری‌های شهید احمد کاظمی مربوط می‌شود. این داستان به شکلی عمیق به بررسی جنگ و اثرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی او می‌پردازد. چالش‌های کاظمی در برابر دشمن، تلاش‌هایش برای حفظ ارزش‌ها و جان‌فشانی او در راه میهن، محوریت این پی‌رنگ را تشکیل می‌دهد. این جریان داستانی از آغاز تا پایان بر رشد شخصیت و تحولات او تأثیر می‌گذارد.

پی‌رنگ‌های فرعی شامل روابط کاظمی با خانواده و دوستانش است که به معرفی شخصیت‌های دیگر و کمک به عمق‌بخشی به داستان می‌پردازد. این روابط نه تنها به ایجاد فضای عاطفی در داستان کمک می‌کنند، بلکه نشان‌دهنده چالش‌های عاطفی و اجتماعی او نیز هستند. به‌طورمثال، گفتگوهای او با دوستان و خانواده‌اش می‌تواند لحظات انسانی و ملموس‌تری را در داستان ایجاد کند.

پی‌رنگ درونی به تعارضات روانی و چالش‌های شخصی کاظمی اشاره دارد. او ممکن است با احساسات مختلفی مانند ترس، ناامیدی و مسئولیت‌پذیری دست‌وپنجه نرم کند. این جنبه‌ها باعث می‌شود مخاطب بتواند با شخصیت او همذات‌پنداری کند و عمیق‌تر به درک احساسات و انگیزه‌های او بپردازد.

پی‌رنگ بیرونی به شرایط اجتماعی و سیاسی دوران جنگ و تأثیر آن بر شخصیت‌ها می‌پردازد. این شرایط شامل جنگ، بحران‌های اجتماعی و فشارهای سیاسی هستند که بر تصمیمات و اقدامات کاظمی تأثیر می‌گذارند. این جنبه

بر اساس نظریه اقتباس، فرایند اقتباس از یک اثر ادبی به یک اثر هنری دیگر شامل مراحل زیر می‌شود:

۱. انتخاب اثر: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان اثر ادبی را برای اقتباس انتخاب می‌کند.

۲. تجزیه و تحلیل: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان اثر ادبی را به‌طور دقیق تجزیه و تحلیل می‌کند و عناصر اصلی داستان، شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها، لحن و پیام داستان را شناسایی می‌کند.

۳. تفسیر: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان اثر ادبی را تفسیر می‌کند و برداشت خود را از داستان ارائه می‌دهد.

۴. تغییر و تحول: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان تغییرات لازم را در اثر ادبی اعمال می‌کند. این تغییرات ممکن است شامل اضافه کردن یا حذف برخی از وقایع، تغییر شخصیت‌ها یا دیالوگ‌ها و تغییر لحن داستان باشد.

۵. اقتباس: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان اثر ادبی را به یک اثر هنری دیگر، مانند فیلم‌نامه تلویزیونی، تبدیل می‌کند.

۶. ارزیابی: در این مرحله، نویسنده یا کارگردان اثر اقتباسی را ارزیابی می‌کند و میزان موفقیت خود را در انتقال پیام و ارزش‌های اثر ادبی به مخاطب بررسی می‌کند.

بنا بر نکاتی که بیان شد، این نظریه رویکرد مناسبی برای بررسی مورد مطالعاتی در مقاله پیش رو است.

روش‌شناسی

این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، از ابزار فیش‌برداری استفاده می‌کند. سپس اطلاعات به‌دست‌آمده را بر پایهٔ عناصر دراماتیکی که در قسمت مبانی پژوهش توضیح داده شد، طبقه‌بندی می‌کند. درنهایت نیز یافته‌های پژوهش را بر اساس روش تحلیل روایت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

مقاله حاضر یک پژوهش کاربردی است که از پنج مرحله تشکیل شده است. مرحله اول، مرور ادبیات، به مطالعه منابع مرتبط با عناصر روایت، تحلیل روایت و شخصیت شهید احمد کاظمی پرداخته و نتایج آن در بخش‌های مقدمه، مبانی پژوهش و روش‌شناسی آمده است. در مرحله دوم، یک داستان از کتاب نردبانی برای چیدن نارنج به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت. مرحله سوم به ارائه الگوی تحلیل مطالعه موردی اختصاص دارد. در مرحله

تصمیم می‌گیرد که غم خود را کنار گذاشته و به وظیفه‌اش به عنوان رزمنده ادامه دهد.

زمان واقعی: داستان در دوران جنگ ایران و عراق می‌گذرد و وقایع آن در مدت کوتاهی (چند روز) اتفاق می‌افتد.

زمان دراماتیک: روایت داستان به صورت فشرده و در یک بازه زمانی کوتاه انجام می‌شود که باعث درگیر شدن بیشتر خواننده با داستان و شخصیت‌ها می‌شود. مکان: جبهه‌های جنوب ایران مکان اصلی داستان هستند و وقایع در مکان‌های مختلفی از جمله خط مقدم، مقر رزمندگان و بیمارستان‌ها جریان دارد.

شخصیت

شخصیت اصلی (قهرمان): قاسملو، نقاش جوانی که شاهد رشادت‌ها و فداکاری‌های بسیاری در جبهه است. او با وجود غم و اندوهی که بر سر مرگ دوست صمیمی خود دارد، به وظیفه‌اش به عنوان یک رزمنده ادامه می‌دهد. ویژگی‌های شخصیت قاسملو این موارد است: با استعداد و خلاق، مهربان و دلسوز، شجاع و فداکار، و وطن‌پرست. تحول شخصیت نیز در داستان این‌گونه است:

در ابتدای داستان، قاسملو بیشتر به دنبال نقاشی و هنر است. اما با دیدن رشادت‌ها و فداکاری‌های رزمندگان، او نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تصمیم می‌گیرد که به سهم خود در جنگ شرکت کند. مرگ فرهاد، دوست صمیمی قاسملو، او را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را با غم و اندوه عمیقی روبرو می‌کند. با این حال، قاسملو در نهایت تصمیم می‌گیرد که غم و اندوه خود را پشت سر بگذارد و به وظیفه‌اش به عنوان یک رزمنده ادامه دهد.

شخصیت اصلی (ضدقهرمان): در این داستان، ضدقهرمانی به صورت مشخص وجود ندارد. دشمنان (نیروهای عراقی) در داستان حضور دارند، اما به‌طور کامل معرفی نمی‌شوند.

شخصیت‌های فرعی: فرهاد (نوجوان شهید)، حاج احمد (فرمانده گردان)، رزمندگان ایرانی.

فرهاد دوست صمیمی قاسملو است. او شاداب و پرنرژی است، شجاع و بی‌باک است و عاشق وطن می‌باشد. فرهاد در حین عملیات، بر اثر اصابت گلوله توپ شهید می‌شود. مرگ او، تأثیر عمیقی بر قاسملو و دیگر شخصیت‌های

به شکل‌گیری بحران‌ها و تنش‌های بیرونی در داستان کمک می‌کند و تنش‌های درونی شخصیت را نیز تقویت می‌نماید. سایر عناصر پی‌رنگ نیز در ادامه بررسی می‌شوند.

آغاز-میانه-پایان: داستان با معرفی قاسملو، نقاش جوانی که در خط مقدم جبهه حضور دارد، شروع می‌شود. او از فرهاد، نوجوان تازه‌وارد به جبهه، نقاشی می‌کشد. ناگهان، گلوله‌ای به فرهاد اصابت کرده و او شهید می‌شود. مرگ فرهاد قاسملو را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد و نقاشی نیمه‌تمامش را به حاج احمد، فرمانده گردان، تقدیم می‌کند. در پایان، رزمندگان به سمت خرمشهر حرکت می‌کنند.

همانگی: تمامی رویدادهای داستان حول جنگ ایران و عراق و تأثیرات آن بر شخصیت‌ها می‌چرخد. داستان از منظر قاسملو روایت می‌شود و خواننده از طریق او با وقایع و احساسات شخصیت‌ها آشنا می‌شود.

اجتماع ضدین: درگیری بین رزمندگان ایرانی و نیروهای عراقی نمایانگر تضاد اصلی داستان است. تضاد زندگی و مرگ در احساسات قاسملو به‌وضوح مشهود است. او درگیر اندوه مرگ فرهاد و وظیفه‌اش به عنوان رزمنده است و شهادت فرهاد، او و حاج احمد را از یکدیگر جدا می‌کند، درحالی‌که جنگ باعث جدایی خانواده‌ها و دوستان نیز می‌شود.

گره‌افکنی: شهادت فرهاد گره اصلی داستان را شکل می‌دهد و این حادثه ناگهانی، زندگی قاسملو و دیگر شخصیت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کشمکش: رزمندگان ایرانی در حال نبرد برای دفاع از سرزمین خود هستند. قاسملو نیز با غم ناشی از مرگ فرهاد دست‌وپنجه نرم می‌کند و تلاش دارد تا با این فقدان بزرگ کنار بیاید و به زندگی ادامه دهد.

بحران: وقوع شهادت فرهاد اوج بحران داستان است. قاسملو در شوک و اندوه عمیق فرو می‌رود و در بالاترین نقطه قرار می‌گیرد.

تعلیق: خواننده تا پایان داستان منتظر می‌ماند تا ببیند سرنوشت قاسملو چه خواهد شد. آیا او می‌تواند غم خود را پشت سر بگذارد و به زندگی ادامه دهد؟

نقطه اوج: زمانی که رزمندگان به سمت خرمشهر حرکت می‌کنند، داستان به نقطه اوج خود می‌رسد. این حرکت نمادی از امید و ادامه راه است.

گره‌گشایی: با حرکت رزمندگان به سمت خرمشهر، سرنوشت شخصیت‌ها به‌نوعی مشخص می‌شود. قاسملو

داستان می‌گذارد.

نیز نقش دارد.

در پایان باید متذکر شد که استفاده از دیالوگ و مونولوگ در داستان به‌طور ماهرانه و هنرمندانه انجام شده است. نویسنده از طریق دیالوگ و مونولوگ، به‌خوبی شخصیت‌ها را معرفی می‌کند و داستان را به پیش می‌برد.

انگاره

این داستان کوتاه دارای دو انگاره جدی است. اول، فداکاری و ازخودگذشتگی در راه وطن: داستان حول محور رشادت‌ها و فداکاری‌های رزمندگان ایرانی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌چرخد. شخصیت اصلی داستان، قاسملو، شاهد ازخودگذشتگی‌ها و جان‌فشانی‌های بسیاری از جمله شهادت دوست صمیمی خود، فرهاد، است. دوم، تأثیر جنگ بر زندگی انسان‌ها: جنگ نه‌تنها جان انسان‌ها را می‌گیرد، بلکه زندگی آنها را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. قاسملو در اثر جنگ، دوست صمیمی خود را از دست می‌دهد و غم و اندوه عمیقی بر او سایه می‌افکند. همچنین و به صورت کلی می‌توان ادعا کرد که جنگ، مرگ، فداکاری، وطن‌پرستی، شجاعت، غم و اندوه از جمله انگاره‌های اصلی داستان هستند. نویسنده از طریق این انگاره‌ها، پیام داستان را به خواننده منتقل می‌کند.

تحلیل داستان نردبانی برای چیدن نارج بر اساس نظریه اقتباس

هدف از اقتباس: هدف از اقتباس این داستان، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و همچنین به اشتراک گذاشتن رشادت‌ها و فداکاری‌های شهید احمد کاظمی با نسل‌های جدید است. وفاداری به متن اصلی: به دلیل ملموس بودن و رعایت نکات دراماتیک، وفاداری به متن اصلی برای اقتباس دیداری-شنیداری از این اثر دشوار نیست و می‌توان ساختار کلی داستان، شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و لحن داستان را حفظ کرد. خلاقیت: برای اقتباس از این اثر، می‌توان از خلاقیت نیز استفاده کرد. برای مثال، برخی از جزئیات را به منظور روشن‌تر شدن وقایع و افزایش جذابیت داستان می‌توان در اقتباس اضافه کرد. همچنین، برخی از تکنیک‌های فیلم‌سازی برای به تصویر کشیدن بهتر احساسات و انگیزه‌های شخصیت‌ها قابل استفاده است. مخاطب: مخاطبان این اثر، نسل‌های جدیدی هستند که

شخصیت دیگر حاج احمد است. او نقش فرمانده گردان رزمندگان را بر عهده دارد. ویژگی‌های او چنین است: باتجربه و کارکشته، پدری دلسوز برای رزمندگان، شجاع و مقتدر. زمانی که فرهاد شهید می‌شود، حاج احمد به دنبال راننده آمبولانس می‌فرستد تا او را به بیمارستان برساند. او همچنین در مراسم تشییع فرهاد شرکت می‌کند و در رثای او سخنرانی می‌کند.

گفتار

دیالوگ‌ها در داستان نردبانی برای چیدن نارج کوتاه و بیشتر در جهت پیشبرد روایت داستان هستند. شخصیت‌ها از طریق دیالوگ‌ها افکار و احساسات خود را بیان می‌کنند و با یکدیگر تعامل دارند. نمونه‌هایی از دیالوگ‌های داستان چنین است:

قاسملو به فرهاد: «می‌خوام به نقاشی ازت بکشم که تو رو توی بهترین حالت نشون بده».

فرهاد به قاسملو: «ممنون قاسملو. خیلی خوشحالم که داری ازم نقاشی می‌کشی».

حاج احمد به رزمندگان: «امروز به روز مهمه. ما باید با تمام توانمون بجنگیم و دشمن رو شکست بدیم».

رزمندگان: «حاضریم حاج احمد!».

نقش دیالوگ‌ها در داستان این‌گونه است که به خواننده کمک می‌کنند تا شخصیت‌ها را بهتر بشناسد و با آنها همذات‌پنداری کند. دیالوگ‌ها باعث می‌شوند که داستان واقعی‌تر و ملموس‌تر به نظر برسد. همچنین دیالوگ‌ها می‌توانند در ایجاد تعلیق و هیجان در داستان نیز نقش داشته باشند.

در داستان نردبانی برای چیدن نارج، از مونولوگ به‌طور محدودی استفاده شده است. قاسملو در تنهایی خود به یاد فرهاد می‌افتد و با او صحبت می‌کند. این مونولوگ‌ها به خواننده کمک می‌کند تا افکار و احساسات درونی قاسملو را بهتر درک کند. نمونه‌ای از مونولوگ داستان:

«فرهاد... کجایی؟ چرا رفتی؟ من هنوز خیلی چیزها رو از تو یاد نگرفتم. من هنوز به کمکت احتیاج داشتم...»

نقش مونولوگ در این داستان این‌گونه است که می‌تواند به شخصیت‌پردازی عمیق‌تر داستان کمک کند. همچنین مونولوگ در ایجاد فضا سازی و القای حس و حال داستان

بسیار تأثیرگذار و به یادماندنی است. داستان دارای پیام ارزشمندی در مورد ایثار و از خودگذشتگی است. نقاط ضعف پی‌رنگ: برخی از جزئیات داستان در متن اصلی به طور کامل شرح داده نشده است. در برخی از قسمت‌های داستان، ریتم روایت کند است.

پیشنهادهایی برای تقویت پی‌رنگ در اقتباس دیداری- شنیداری: می‌توان جزئیات بیشتری را به داستان اضافه کرد تا مخاطب به طور کامل با شرایط و انگیزه‌های شخصیت‌ها آشنا شود. می‌توان در برخی از قسمت‌های داستان از فلاش‌بک یا فلش‌فوروارد استفاده کرد تا ریتم روایت را تندتر و جذاب‌تر کرد.

شخصیت

شخصیت اصلی: شهید کاظمی، شخصیت اصلی داستان، شخصیتی شجاع، فداکار، ایثارگر و وظیفه‌شناس است. او حاضر است جان خود را برای نجات جان هم‌زمانش به خطر بیندازد و از هیچ تلاشی برای انجام وظیفه‌اش دریغ نمی‌کند.

شخصیت‌های فرعی: در این داستان، شخصیت‌های فرعی متعددی مانند هم‌زمان شهید کاظمی، فرماندهان و خانواده او حضور دارند. این شخصیت‌ها به تکمیل داستان و برجسته‌تر کردن شخصیت اصلی کمک می‌کنند.

نقاط قوت شخصیت‌پردازی: شخصیت‌های داستان به طور کامل و واقعی به تصویر کشیده شده‌اند. انگیزه‌ها و احساسات شخصیت‌ها به خوبی قابل درک است. شخصیت اصلی داستان، الگویی از ایثار و فداکاری است.

نقاط ضعف شخصیت‌پردازی: برخی از شخصیت‌های فرعی به طور کامل معرفی نشده‌اند. در برخی از قسمت‌های داستان، شخصیت‌ها به اندازه کافی فعال و پویا نیستند.

پیشنهادهایی برای تقویت شخصیت‌پردازی در اقتباس دیداری- شنیداری: می‌توان در برخی از قسمت‌های داستان، شخصیت‌ها را در موقعیت‌های چالش‌برانگیز قرار داد تا انگیزه‌ها و احساسات آنها به طور کامل‌تر به نمایش گذاشته شود. می‌توان از دیالوگ‌های قوی‌تر و تأثیرگذارتر برای شخصیت‌پردازی استفاده کرد. می‌توان از بازی بازیگران توانمند و باتجربه برای به تصویر کشیدن شخصیت‌ها استفاده کرد.

با دوران دفاع مقدس آشنایی چندانی ندارند. در اقتباس از این داستان، می‌توان تلاش کرد تا با استفاده از زبانی ساده و روان و همچنین استفاده از تصاویر و جلوه‌های ویژه، داستان به گونه‌ای روایت شود که برای نسل‌های جدید جذاب و قابل فهم باشد.

تحلیل عناصر دراماتیک برای اقتباس دیداری- شنیداری از داستان نردبانی برای چیدن نارنج داستان نردبانی برای چیدن نارنج، روایتی از رشادت‌ها و فداکاری‌های شهید احمد کاظمی در دوران دفاع مقدس است. این داستان به دلیل پی‌رنگ جذاب، شخصیت‌پردازی قوی و پیام ارزشمند، می‌تواند به عنوان یک اثر دیداری- شنیداری جذاب و اثرگذار اقتباس شود. در ادامه، تحلیل عناصر دراماتیک این داستان با هدف اقتباس دیداری- شنیداری مورد توجه قرار می‌گیرد.

پی‌رنگ

معرفی شخصیت: داستان با معرفی شخصیت شهید کاظمی، فرمانده‌ای شجاع و فداکار، آغاز می‌شود.

چالش: در ادامه، شاهد چالش و مانعی بزرگ در مسیر شهید کاظمی هستیم. او در حین عملیات، متوجه می‌شود که یکی از هم‌زمانش در محاصره دشمن گرفتار شده است. کشمکش: شهید کاظمی با وجود خطرات فراوان، تصمیم می‌گیرد جان خود را به خطر بیندازد و هم‌زمانش را نجات دهد.

تعلیق و هیجان: در ادامه داستان، شاهد کشمکش‌ها و تلاش‌های شهید کاظمی برای عبور از موانع و نجات هم‌زمانش هستیم. این امر، تعلیق و هیجان داستان را تا به اوج می‌رساند.

فداکاری و نقطه اوج: در نهایت، شهید کاظمی با فداکاری جان خود، هم‌زمانش را نجات می‌دهد. این فداکاری، نقطه اوج داستان و نمادی از ایثار و از خودگذشتگی است.

حل و فصل: داستان با نجات جان هم‌زمان شهید کاظمی و به تصویر کشیدن احساسات و پیامدهای این فداکاری به پایان می‌رسد.

نقاط قوت پی‌رنگ: پی‌رنگ داستان منسجم و جذاب است و مخاطب را تا پایان با خود همراه می‌کند. داستان دارای کشمکش و تعلیق کافی است و هیجان مخاطب را حفظ می‌کند. نقطه اوج داستان، فداکاری شهید کاظمی،

گفتار

می‌توان در برخی از قسمت‌های داستان، انگاره داستان را از طریق تفسیر و تحلیل شخصیت‌ها و رویدادها به مخاطب منتقل کرد. می‌توان در پایان داستان، انگاره داستان را به طور خلاصه و جمع‌بندی شده بیان کرد.

داستان نردبانی برای چیدن نارنج، اثری جذاب و اثرگذار است که می‌تواند به عنوان یک اثر دیداری-شنیداری ارزشمند اقتباس شود. با تحلیل عناصر دراماتیک این داستان و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت آنها، می‌توان اقتباسی قوی و ماندگار از این داستان خلق کرد.

نتیجه‌گیری

تحلیل عناصر دراماتیک داستان نردبانی برای چیدن نارنج نشان داد که این داستان پتانسیل بالایی برای اقتباس به یک اثر نمایشی تأثیرگذار دارد. الگوی اقتباس پیشنهادی در این پژوهش، با تمرکز بر وفاداری به متن اصلی، خلاقیت در روایت، و توجه به مخاطب هدف، روشی نظام‌مند برای تبدیل این داستان به یک فیلم‌نامه تلویزیونی جذاب ارائه می‌دهد. نوآوری این الگو در تلفیق عناصر دراماتیک خاص داستان با اصول کلی اقتباس نهفته است. به عنوان مثال، پی‌رنگ قوی داستان، امکان ایجاد تعلیق و هیجان در فیلم‌نامه را فراهم می‌کند. شخصیت‌های پیچیده نیز فرصتی برای پرداختن به ابعاد مختلف شخصیت‌ها و ایجاد ارتباط عمیق مخاطب با آنها ایجاد می‌کنند. دیالوگ‌های اثرگذار نیز می‌توانند در انتقال مفاهیم عمیق و ایجاد لحظات ماندگار در فیلم‌نامه مؤثر باشند.

هدف اصلی در اقتباس از این داستان، فراتر از صرفاً روایت یک رویداد تاریخی، انتقال مفاهیم عمیق و ارزشی همچون فداکاری، ایثار و عشق به وطن به مخاطب امروزی، به‌ویژه نسل جوان است. برای تحقق این هدف، الگوی زیر پیشنهاد می‌شود.

الف). وفاداری به روح داستان و نوآوری در فرم: ۱. حفظ هسته اصلی داستان و روایت خط سیر کلی آن؛ ۲. استفاده از تکنیک‌های روایی مدرن و زبان بصری سینمایی برای ارائه داستانی جذاب و به‌روز؛ ۳. ایجاد تعادل بین وفاداری به متن اصلی و افزودن عناصر دراماتیک و بصری جدید برای جذب مخاطب امروزی.

ب). شخصیت‌پردازی عمیق و چندبعدی: ۱. پرداختن به شخصیت‌ها فراتر از کلیشه‌های قهرمانی و ایجاد

دیالوگ‌های داستان کوتاه و گویا هستند و به خوبی شخصیت‌ها و احساسات آنها را به تصویر می‌کشند. در برخی از قسمت‌های داستان، از دیالوگ‌های طنز و کنایه‌آمیز استفاده شده است که به جذابیت داستان می‌افزاید.

نقاط قوت گفتار: دیالوگ‌ها طبیعی و روان هستند. دیالوگ‌ها به پیشبرد داستان کمک می‌کنند. دیالوگ‌ها در برخی از قسمت‌های داستان، تأثیرگذار و به‌یادماندنی هستند.

نقاط ضعف گفتار: در برخی از قسمت‌های داستان، دیالوگ‌ها کمی کلیشه‌ای و تکراری هستند. در برخی از قسمت‌های داستان، دیالوگ‌ها به اندازه کافی شخصیت‌ها را معرفی نمی‌کنند.

پیشنهادهایی برای تقویت گفتار در اقتباس دیداری-شنیداری: می‌توان در برخی از قسمت‌های داستان، دیالوگ‌ها را کمی طولانی‌تر و مفصل‌تر کرد تا شخصیت‌ها به طور کامل‌تر معرفی شوند. می‌توان از دیالوگ‌های قوی‌تر و تأثیرگذارتر برای به نمایش گذاشتن احساسات و انگیزه‌های شخصیت‌ها استفاده کرد. می‌توان از لحن و تُن صدای مناسب برای هر شخصیت در هنگام بیان دیالوگ‌ها استفاده کرد.

انگاره

ایثار و فداکاری در راه آرمان‌ها، انگاره اصلی این داستان است. شهید کاظمی با جان‌فشانی خود، الگویی از ایثار و فداکاری را برای نسل‌های آینده به یادگار می‌گذارد.

نقاط قوت انگاره: انگاره داستان واضح و روشن است. انگاره داستان به طور کامل در طول داستان به نمایش گذاشته می‌شود. انگاره داستان پیام ارزشمندی را به مخاطب منتقل می‌کند.

نقاط ضعف انگاره: در برخی از قسمت‌های داستان، انگاره داستان به طور مستقیم و آشکار بیان شده است که می‌تواند کمی مصنوعی به نظر برسد. در برخی از قسمت‌های داستان، انگاره داستان به اندازه کافی مورد تفسیر و تحلیل قرار نگرفته است.

پیشنهادهایی برای تقویت انگاره در اقتباس دیداری-شنیداری: می‌توان در برخی از قسمت‌های داستان، انگاره داستان را به طور غیر مستقیم و ظریف‌تر به نمایش گذاشت.

مفاهیم فرهنگی و اجتماعی؛ ۳. پرهیز از کلیشه‌های رایج در آثار دفاع مقدس و ارائه تصویری متفاوت و نوآورانه. ه). پیام اصلی: ۱. انتقال پیامی روشن و امیدبخش درباره ارزش‌های انسانی و اهمیت ایثار و فداکاری؛ ۲. ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب و برانگیختن احساسات او؛ ۳. ارائه الگویی مثبت برای نسل جوان و تشویق آنها به تفکر و تعمق درباره ارزش‌های انسانی. با توجه به الگوی پیشنهادی، اقتباس از داستان نردبانی برای چیدن نارنج می‌تواند به خلق یک اثر ماندگار و تأثیرگذار در حوزه فیلم و سریال منجر شود. این اثر می‌تواند ضمن حفظ ارزش‌های دفاع مقدس، با استفاده از زبان هنری معاصر، مخاطبان امروزی را نیز به خود جذب کند.

شخصیت‌هایی قابل باور و همذات‌پذیر؛ ۲. نمایش رشد و تحول شخصیت‌ها در مواجهه با چالش‌های جنگ و ایثار؛ ۳. ایجاد تعاملات پیچیده بین شخصیت‌ها و ایجاد روابطی صمیمی و انسانی. ج). ساختار روایی چندلایه: ۱. ایجاد چندین خط داستانی موازی برای غنی‌سازی روایت و نمایش ابعاد مختلف جنگ و جامعه؛ ۲. استفاده از فلش‌بک‌ها و فلاش‌فرواردها برای ایجاد تعلیق و پیچیدگی در روایت؛ ۳. ایجاد تعادل بین صحنه‌های اکشن و صحنه‌های دراماتیک و عاشقانه. د). توجه به جزئیات تاریخی و فرهنگی: ۱. تحقیق دقیق در مورد تاریخ و فرهنگ دوران جنگ برای ایجاد فضایی واقعی و باورپذیر؛ ۲. استفاده از نمادها و عناصر بصری برای انتقال

فهرست منابع

- احمدی، فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی شخصیت‌پردازی زن در سینما دفاع مقدس با مطالعه موردی دو فیلم آخرین مهلت و روزهای زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم.
- اسماعیلی، سام (۱۳۹۲)، نمایشنامه‌نویسی ساختار کنش، ترجمه پرستو جعفری و صادق رشیدی، تهران: افراز.
- زارع، الهام (۱۳۹۷)، عناصر داستانی خاطره نوشته‌های دفاع مقدس با تأکید بر اثر دختر شینا، فصلنامه پژوهش ادبی، ۷۶، ۱۹۱-۲۱۴.
- جعفری، ناهید؛ رضوی‌نیا، محبوبه (۱۳۹۱)، بازیابی عناصر داستانی در کتاب داه، نشریه ادبیات فارسی، ۱۹، ۱۸۰-۲۰۵.
- داوودی‌ان، محمد حسین؛ تقوی، معصومه (۱۳۹۵)، شخصیت و شخصیت‌پردازی در کتاب بغض آینه، نشریه شباک، ۱۹، ۴۹-۵۶.
- قادری، نصرالله (۱۳۸۷)، ارزیابی نمایشنامه‌های دفاع مقدس از منظر کاراکتر نمایشی، نشریه کتاب صحنه، ۵۶، ۱۰-۱۵.
- قادری، نصرالله (۱۳۹۱)، آناتومی ساختار درام، چاپ چهارم، تهران: نیستان.
- کریمی خوزانی، مهدی (۱۳۹۷)، ساختار و شخصیت در فیلمنامه، قم: سبط النبی.
- گریگ، نونل (۱۳۹۰)، راهنمای عملی نمایشنامه نویسی، ترجمه علی‌اکبر علیزاد، تهران: بیگدل.
- مک‌کی، رابرت (۱۳۸۲)، داستان: ساختار سبک و اصول فیلم‌نامه‌نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: هرمس.
- هاچن، لیندا (۱۳۹۲)، نظریه اقتباس، ترجمه محمدرضا زارتنی، تهران: نشر نی.
- یزدانی، کرامت (۱۳۸۹)، نردبانی برای چیدن نارنج، تهران: سوره مهر.